

## تراحم و توازن حقوق فرد و جامعه در دادرسی‌های کیفری

جمشید غلاملو\*

چکیده: موضوع این پژوهش بررسی تراحم حادث بین چند حق در فرآیند دادرسی‌های کیفری و چگونگی برقراری توازن لازم بین آنهاست؛ به عبارت روشن‌تر مسأله اصلی تحقیق، توجه به تراحمی است که ممکن است در برخی موارد بین حقوق جامعه (منافع عمومی) و حقوق افراد درگیر (به ویژه مظنون و متهم) به وجود آید؛ بدین معنا که در دادرسی‌های کیفری از سویی اشخاص از جمله مقامات قضائی و رمانه‌ها با استناد به حق بنیادین آزادی بیان و اطلاعات، به منظور رعایت مصلحت و منفعت عمومی، خود را محق در بیان و افشاء اطلاعات در خصوص مظنون، متهم و جرم اتهامی آنها می‌دانند. از سویی دیگر، مظنون و متهم نیز با استناد به حقوق مسلم خود، یعنی حق به بی‌گناه فرض شدن و حق حفظ حریم خصوصی، اجرای مطلق حق آزادی بیان را مانع اجرای حقوق خود می‌دانند. در این مقاله سعی بر آن است که با بررسی قوانین و رویه قضائی ایران، قوانین برخی کشورها و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و به ویژه آراء دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان یک نهاد تخصصی در رسیدگی‌های قضائی به دعای حقوق بشری، بایدها و نبایدهای حقوقی در اجرا و یا استثناء (تعديل) این حقوق ارائه گردد.

کلیدواژه‌ها: آزادی بیان، فرض براءت، حریم خصوصی، منافع عمومی، دادرسی کیفری، تراحم حقوق، توازن، متهم، مظنون

## مقدمه

حق آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات، حق بی‌گناهی و حق بر حریم خصوصی از جمله حقوق بنیادین انسان‌هاست. در این پژوهش، هدف این است که از دیدگاه حقوقی، تراحم و توازن بین این حقوق در فرایند دادرسی کیفری با تکیه بر اصول و قواعد حقوقی، قوانین و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرد. در واقع، در مواردی ممکن است که در جریان رسیدگی‌های کیفری، اجرای یک حق به طور مطلق با اجرای حقوق دیگر تراحم پیدا کند؛ زیرا در دادرسی‌های کیفری برای افراد مظنون و متهم، حقوق مسلمی تحت عنوان حق به بی‌گناه فرض شدن و حق به رعایت حریم خصوصی پیش‌بینی شده است که در صورت اجرای نامحدود حق آزادی بیان و اطلاعات از ناحیه اشخاص ذیحق، اعم از مقامات قضائی و یا رسانه‌ها- حتی اگر در جهت حفظ منافع عمومی که بالاترید از رسالت‌های اصلی رسانه‌ها و مراجع قضائی بوده و از اهداف عمده آن حق محسوب می‌شود باشد- این حقوق اساسی نادیده گرفته خواهد شد. متقابلاً در مواردی بسیار استثنائی اجرای این حقوق به نحو مطلق، با حقوق جامعه که به طور عموم عنوان «مصلح یا منافع عمومی» بر آن اطلاق می‌شود، متعارض می‌گردد که در نهایت لازم می‌آید محدودیت‌هایی را بر اعمال این حقوق مورد پذیرش قرار داد و آنها را تعدیل کرد. جهت ارائه تحلیلی صحیح‌تر در خصوص این موضوع، ضمن بررسی قوانین و رویه قضائی ایران، قوانین برخی کشورها و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین آراء دیوان اروپایی حقوق بشر، به عنوان یک نهاد تخصصی در رسیدگی‌های قضائی به دعاوی حقوق بشر، مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

## بند اول: آزادی بیان: مفهوم و محدودیت‌ها

## الف) مفهوم حق آزادی بیان

یک جامعه آزاد و دموکراتیک، جامعه‌ای است که در آن تضمین‌های قطعی و محکم از آزادی بیان وجود داشته باشد. اهمیت این اصل بنیادی در عصر کنونی به حدی مسلم و بدیهی است که اندیشمندان علوم اجتماعی و حقوقدانان، آن را شیوه‌ای غیرقابل جایگزین برای ایجاد و حفظ جامعه‌ای دور از فساد و نزدیک به عدالت واقعی می‌دانند. آزادی بیان خود یکی از مهم‌ترین مصادیق آزادی است؛ ارائه تعریفی دقیق از آزادی دشوار و همواره مورد مجادله اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است؛ به نحوی که آیزا برلین در کتاب معروف خود می‌گوید: «بیش از دو‌یست معنای گوناگون را نویسندگان تاریخ برای این

کلمه ضبط کرده‌اند»<sup>۱</sup>. لذا اغلب تعریف مصادیق آزادی در تبیین مفهوم آن راهگشا بوده است. در تعریف آزادی بیان، تعریف مندرج در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌تواند ملاک مناسبی باشد. در این ماده آمده است:

«هر کسی حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد».

میل در عباراتی تأثیربرانگیز در خصوص اهمیت آزادی بیان می‌گوید:

«اگر همه افراد بشر، منهای یک نفر، عقیده واحدی داشتند و تنها یک نفر عقیده‌اش با آن باقی بشریت، مخالف بود عمل اینان که صدای آن یک نفر را به زور خاموش کنند، همان اندازه ناحق و ناروا می‌بود که عمل خود وی، اگر فرضاً قدرت این را داشت که صدای نوع بشر را به زور خاموش کند»<sup>۲</sup>.

این اصل در تمامی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق انسان‌ها مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.<sup>۳</sup> در این راستا باید به جرأت گفت که رمانه‌های گروهی به عنوان زبان گویا و نقاد جامعه با پذیرفتن نقش حرفه‌ای، عمده‌ترین تجلی‌گاه اصل آزادی بیان در عصر کنونی به شمار می‌روند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (منبع ق.ا.ج.ا.ا.) به صراحت این حق را در اصل بیست و سوم خود به رسمیت شناخته است و سپس در اصل بیست و چهارم به طور خاص، بر حق مطبوعات تأکید نموده است:

«نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند».

۱. آیزیا برلین، چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمد علی موحد، تهران، خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶.

۲. جان استوارت میل، رساله درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵، ص ۵۹.

۳. از جمله در این راستا بند ۲ ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی وین مصوب ۱۹۶۶ مقرر می‌دارد: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تضحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.

میزان آزادی بیان و وجود رسانه‌های آزاد و مستقل در هر جامعه، ملاک معقول و مقبولی در ارزیابی سطح دموکراسی و بالطبع سلامت آن جامعه محسوب می‌شود. وجود ممیز و پیش‌شرط‌های محدودکننده، جهت فعالیت رسانه‌ها و نیز اعمال محدودیت‌های فراتر از حد ضرورت، ولو در قالب قوانین و تصمیمات قضائی از موانع ناموجه و غیرقابل قبول اعمال این حق است. به عبارت دیگر، صرف پذیرفتن حق آزادی بیان توسط دولت‌ها برای تحقق کامل آن کافی نمی‌باشد؛ بلکه لازم است مقدمات و شروط اجرای آن توسط دولت فراهم گردد. به بیان دیگر، تصویب و تنظیم شروط سخت و متعدد برای رسانه‌ها چه در مرحله تأسیس و چه در مرحله فعالیت خود منافات کاملی با اجرای حق مزبور دارد.<sup>۴</sup> حق آزادی بیان را باید علاوه بر حق بیان و اشاعه اطلاعات، شامل حق به دریافت اطلاعات نیز دانست. یعنی وجه دیگر حق مزبور، حق دیگری است که متعلق به عموم جامعه است. این مسأله به خوبی در بند (۱) ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است:

«۱. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی داشتن نظریات و دریافت و اشاعه اطلاعات و اندیشه‌ها بدون مداخله مراجع دولتی و قطع نظر از مرزها است.»

اما مسأله مهمی که در این ارتباط مطرح می‌شود، این است که با توجه به مطالب فوق، آیا حق آزادی بیان و حقوق رسانه‌ها به عنوان مظهر آن حق، حقی مطلق و نامحدود است؟ و به طور خاص محدوده اعمال این حق در مراحل مختلف دادرسی‌های کیفری (با تأکید بر حق آنها به آزادی بیان و حق عموم به دریافت اطلاعات) در یک نظام حقوقی منطبق بر عدالت به چه کیفیتی است؟

### ب) محدودیت‌های حق آزادی بیان در دادرسی‌های کیفری

اصل بر این است که افراد و رسانه‌ها در بیان واقعیات و مطالب خود آزادند، لیکن با ملاحظه اسناد حقوق بشری و قوانین داخلی کشورها پی می‌بریم که این حق، حق مطلق و بدون قیدی نبوده و در مواردی لازم است مقید و محدود شود؛ حتی دانشمندانی که آزادی بیان را از ضروریات یک جامعه انسانی می‌دانند، بر مطلق نبودن آن اذعان دارند.<sup>۵</sup> در کلیه این اسناد و قوانین همان‌گونه که خود اصل مورد توجه و تأکید قرار گرفته، محدودیت‌هایی

۴. جهت مطالعه بیشتر، نک: ناصر کاتوزیان و همکاران، آزادی اندیشه و بیان، تهران، دانشکده حقوق و علوم

سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۵. آیزیا برلین، پیشین، ص ۲۴۲.

نیز در اجرای آن پیش‌بینی گردیده است. برای نمونه بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی این محدودیت‌ها را چنین بیان می‌دارد:

«اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسؤولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معین شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف) احترام به حقوق یا حیثیت دیگران، ب) حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.»

تقریباً همین معیار در سایر اسناد با مضامین مشابه اعمال گردیده است.<sup>۶</sup> اصل بیست‌وچهارم (ق.ا.ج.ا.۱) نیز پس از ذکر این اصل که مطبوعات در بیان مطالب آزادند، اجرای آن را منوط به این قید نموده است که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشد و تفصیل آن را به قانون واگذار نموده است. با این وجود، ماده ۶ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹<sup>۷</sup> دامنه این محدودیت را به اخلال «به مبانی و احکام اسلامی، حقوق عمومی و خصوصی» گسترش داده است، که در مواردی به ویژه قید «احکام اسلامی»، تحدیدی ناموجه و بر خلاف قانون اساسی به نظر می‌رسد.<sup>۸</sup>

بنابراین نکته حائز اهمیت این است که حق آزادی بیان از زمره حقوق مقید محسوب می‌شود و تابع محدودیت‌هایی در اجرا و اعمال است. اما مسأله‌ای که نباید از نظر دور داشت، عدم تعریف و تعیین این محدودیت‌ها در اسناد و قوانین است، که به نظر می‌رسد باید علت اصلی آن را دشواری امر دانست. لیکن علی‌رغم این دشواری، مشخص شدن آنها توسط قانون‌گذار جهت ممانعت از تضییع حقوق افراد، امری لازم به شمار می‌رود. در محدوده حقوق کیفری و به ویژه آئین دادرسی کیفری، حق آزادی بیان و مداخله رسانه‌ها به عنوان تجلی‌گاه عمده آن حق را می‌توان در دو مورد کلی مقید و محدود نمود:

الف: اخلال در فرآیند تحقیقات؛

ب: تراحم با حقوق اشخاص (شامل مظنون، متهم، بزه‌دیده، گواه و خانواده آنان).

۶ از جمله بند (۱-۲) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

۷ ماده ۶: «نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلامی و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند: ...» در بند ۶ این ماده مطبوعات از افشا و انتشار تحقیقات مراجع قضائی بدون مجوز قانونی منع گردیده‌اند.

۸ برای مطالعه بیشتر، نک: ناصر کاتوزیان و همکاران، پیشین.

## الف) اخلال در فرایند تحقیقات

در رسیدگی‌های کیفری اصل بر علنی بودن است. این اصل به عنوان یکی از اصول دادرسی عادلانه در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری و قوانین داخلی کشورها مورد توجه قرار گرفته است. در حقوق ایران قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ (منبع ق.آ.د.ک.) همانند دیگر کشورها اصل مزبور را با ذکر استثنائاتی مورد پذیرش قرار داده است.<sup>۹</sup> اما سؤال این است که آیا اصل علنی بودن شامل مرحله تحقیقات مقدماتی (دادسرا) نیز می‌شود؟

اکثر حقوقدانان بر این عقیده‌اند که اصل علنی بودن بیشتر به مرحله رسیدگی در دادگاه (به ویژه دادگاه بدوی) اختصاص داشته و خصوصیت مرحله تحقیقات مقدماتی، غیرعلنی و محرمانه بودن آن است. برخی در تقویت نظر خود استدلال می‌کنند که «... غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی هم به کشف حقیقت کمک می‌کند و هم منافع خود متهم را که ممکن است از اتهام وارد بر خود برائت حاصل کند در بر دارد. از رویه دیوان اروپایی حقوق بشر نیز اینگونه بر می‌آید که علنی بودن رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب نقص ماده ۱-۶ کنوانسیون نیست».<sup>۱۰</sup>

در حقوق ایران، تحقیقات مقدماتی، از ویژگی غیرعلنی و محرمانه بودن تبعیت می‌کند. چرا که اولاً، با توجه به تصریح قانون‌گذار، ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک. و تبصره ۱ آن در خصوص مرحله رسیدگی در دادگاه بوده و منصرف از مرحله تحقیقات مقدماتی دادسرا است. ثانیاً، حسب ماده ۱۵۲<sup>۱۱</sup> همان قانون، تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعین قبل از محاکمات، غیرعلنی است و نیز ماده ۷۳<sup>۱۲</sup> که حق شاکی در اخذ رونوشت از صورتجلسات تحقیقات مقدماتی را مشروط به عدم منافات آن با محرمانه بودن تحقیقات دانسته است دلالت بر این امر دارد. «از این ماده استنباط می‌شود که تحقیقات مقدماتی همیشه محرمانه است ولی

۹. ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک.: «محاکمات دادگاه علنی است به استثنای موارد زیر به تشخیص دادگاه: ۱- اعمال منافی عفت و جرائمی که بر خلاف اخلاق حسنه است. ۲- امور خانوادگی یا دعوی خصوصی به درخواست طرفین. ۳- علنی بودن محاکمه منحل امنیت یا احساسات مذهبی باشد.»

۱۰. محمد آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۳۴۴

۱۱. ماده ۱۵۲ ق.آ.د.ک.: «تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعین قبل از محاکمه غیر علنی است.»

۱۲. ماده ۷۳ ق.آ.د.ک.: «شاکی حق دارد هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و دلایل خود را اظهار نماید و نیز از صورتجلسه تحقیقات مقدماتی که منافات با محرمانه بودن تحقیقات باشد پس از پرداخت هزینه، رونوشت بگیرد.»

گاهی اوقات، رونوشت گرفتن از صورتجلسه آن، توسط شاکی با این محرمانه بودن منافات دارد و گاهی اوقات ندارد»<sup>۱۳</sup> در خصوص جرائم ارتكابی توسط اطفال، قانون‌گذار به نحو صریح‌تری بر غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی و رسیدگی تأکید نموده است؛ چرا که حسب ماده ۲۲۵ ق.آ.د.ک، رسیدگی به جرائم اطفال، غیرعلنی اعلام شده است و از آنجا که تحقیقات مقدماتی این افراد با توجه به تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (منبع ق.ت.د.ع.ا.)، مستقیماً در دادگاه صورت می‌پذیرد، لذا ویژگی غیرعلنی بودن شامل این مرحله نیز خواهد شد. در نظام حقوقی اغلب کشورها از جمله انگلستان نیز چنین موضعی در قبال اطفالی که متهم هستند اتخاذ شده است.<sup>۱۴</sup>

همچنین در راستای تقویت این دیدگاه در حقوق ایران می‌توان به آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه (۱۳۸۶/۷/۱۹)<sup>۱۵</sup> و دستورالعمل حفاظت از اسناد، اطلاعات و ادله پرونده‌های قضائی (۱۳۸۵/۸/۳۰)<sup>۱۶</sup> که هر دو مصوب رئیس قوه قضائیه هستند اشاره نمود. در فرانسه نیز، به موجب ماده ۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری، اصل، غیرعلنی بودن مرحله تحقیقات مقدماتی است. به موجب این ماده:

«دادرسی در جریان تحقیق و بازپرسی جز در مواردی که قانون چیز دیگری را مقرر کرده باشد و جز در صورتی که با حق دفاع منافات داشته باشد، غیرعلنی است».<sup>۱۷</sup>

بنابراین از آنجا که در مرحله تحقیقات مقدماتی، دلایل اثبات مجرمیت جمع‌آوری و

۱۳. علی خالقی، آئین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷.

14. John Sprack, *Criminal Procedure*, Oxford University Press, 2006.

۱۵. ماده ۱۳ این آئین‌نامه در یکی از بندهای خود اطلاع‌رسانی در خصوص مداخلات غیر علی محاکم و تحقیقات مراجع قضائی و انتظامی در مرحله مقدماتی و انتشار جریان دادگاه علنی قبل از قطعی شدن حکم را ممنوع می‌داند.

۱۶. در ماده ۲۱ این دستورالعمل آمده است: «مموعیت انتشار و افشای جریان رسیدگی و طرح اسرار و اطلاعات پرونده: مطابق مواد ۱۰۳ و ۱۲۸ و تبصره آن و ۱۸۸ و ۲۲۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، به منظور حفاظت از اسرار و اطلاعات پرونده، حضور اشخاص غیر مجاز، انتشار و افشای جریان دادگاه اطفال و حضور در جلسات غیرعلنی دادگاه و تحقیقات مقدماتی، مصاحبه و اظهار عقیده در خصوص برائت یا مجرمیت متهم توسط قضات، ارائه و طرح و بحث و گفتگو در مورد اسرار و اطلاعات مربوط به پرونده‌های قضائی در حضور اشخاصی فاقد سمت و صلاحیت در محل کار و خارج از محل کار ممنوع است».

۱۷. قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه عباس تدین، معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه، تهران، روزنامه رسمی، چاپ اول، ۱۳۸۸.

جهت کشف جرم و شناسایی مجرمان، اقدامات لازم به عمل می‌آید و هدف نهایی نه صرف محکومیت فرد مظنون، بلکه کشف حقیقت و صیانت از حقوق جامعه است، علنی بودن تحقیقات که نخستین اثر آن حضور و ورود رسانه‌های گروهی، نشر و افشای اخبار و اطلاعات تحصیل شده به جامعه خواهد بود، بلاتردید بر کیفیت تحقیقات و تصمیم مقامات قضائی اثر منفی خواهد گذاشت؛ که علاوه بر تعرض به فرض بی‌گناهی، با آگاهی یافتن مرتکبان واقعی یا مظنونان اصلی از تحقیقات، موجب اختلال در روند اقدامات پلیسی و قضائی در شناسایی و دستگیری آنان خواهد گردید.

### ب) حقوق اشخاص

اقدامات رسانه‌ها در راستای اطلاع‌رسانی و آزادی بیان به طور نامحدود، در مواردی به طور مسلم با حقوق اشخاص درگیر در دادرسی کیفری اعم از مظنون، متهم، بزه‌دیده و گواه تزاخم می‌یابد و به آن لطمه و آسیب جدی وارد خواهد نمود. به طور عمده، حقوقی که در این مسیر تهدید می‌شوند را می‌توان در دو عنوان خلاصه نمود:

۱- حق بی‌گناهی (فرض برائت)، ۲- حق رعایت حریم خصوصی

#### ۱- ب) حق بی‌گناهی (فرض برائت)

طبیعی است که این حق را باید متوجه مظنونان و متهمان به ارتکاب جرائم دانست و حقوق سایر افراد مانند بزه‌دیده و گواه از این حیث مورد تهدید و آسیب قرار نمی‌گیرد. از حقوق مسلم افراد مظنون و متهم در فرایند دادرسی کیفری، فرض بی‌گناهی است. این فرض در اصل سی‌وهفتم ق.ا.ج.ا.<sup>۱۸</sup>، به طور صریح مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید:

«هرکس به ارتکاب جرمی متهم شود، حق دارد بی‌گناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او طبق قانون محرز شود».

بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز این حق را به رسمیت شناخته است.<sup>۱۹</sup> در بیانی ساده، می‌توان گفت که فرایند دادرسی کیفری شامل سه مرحله می‌شود:

۱۸. اصل ۳۷ ق.ا.: «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

۱۹. بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون: «هرکس که به جرم کیفری متهم می‌شود تا زمانی که مجرم بودن او طبق قاون به اثبات نرسیده است، باید بی‌گناه فرض شود».



نخست، وقتی که پلیس یا سایر مقامات قضائی ذیصلاح، به شخصی به دلیل ارتکاب عمل مجرمانه‌ای مظنون می‌شوند. در این مرحله او یک مظنون کیفری است (شروع به تحقیقات مقدماتی)؛

دوم، وقتی که پلیس دلایل کافی برای مقام تعقیب جهت متهم ساختن شخصی به ارتکاب جرم جمع‌آوری می‌کند. در این حالت او یک متهم کیفری است (صدور کیفرخواست)؛ و

سوم، زمانی که شخصی به ارتکاب جرم اقرار کرده است یا طی یک محاکمه عادلانه مقصر شناخته شود، در این وضعیت او یک مجرم یا محکوم کیفری است (صدور حکم). ورود و اطلاع‌رسانی رسانه‌ها در هر یک از مراحل فوق، در فرایند دادرسی‌های کیفری را نمی‌توان تابع یک وضعیت ثابت و یکنواخت دانست. بدیهی است در مرحله سوم، بزهکاری فرد اثبات شده است. لذا از این مرحله به بعد وی مشمول حمایت فرض بی‌گناهی نخواهد شد. بعد از محکومیت حتی اگر رسانه‌ها را به جهات دیگر مجاز به افشای هویت محکوم ندانیم، اقدام آنها به فرض مزبور لطمه‌ای نخواهد رساند. اما اینکه میزان و محدوده عمل رسانه‌ها در دو مرحله اول دادرسی به چه نحو می‌تواند باشد، مسأله‌ای قابل تأمل است.

از آنجا که وقوع جرائم در سطح جامعه، مردم و منافع عمومی را تحت تأثیر سوء خود قرار می‌دهد، لذا این امر مقامات عمومی و رسانه‌ها را مجاز می‌سازد که در راستای حفظ منافع عموم، در جهت کشف جرائم و مظنونان و جلوگیری از فساد، اطلاع‌رسانی لازم را انجام دهند و بلاتردید نمی‌توان آنها را از این حق مسلم ممنوع ساخت. لیکن به جهت حاکمیت حق بی‌گناهی افراد در مرحله تحقیقات مقدماتی (مظنونان) و رسیدگی‌های کیفری (متهمان)، آنها باید خود را در رعایت نمودن حقوق اشخاص مظنون متعهد بدانند. گزارش‌های رسانه‌ها از رسیدگی‌های کیفری نباید به نحوی باشد که حق بی‌گناهی اشخاص را بلااثر کند و به بی‌عدالتی منجر شود. بنابراین حق مقامات عمومی و رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی در رسیدگی‌های کیفری در موارد استثنائی مانند تراحم با فرض برائت قابل تحدید است.

تبصره ۱ ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک.<sup>۲۰</sup>، علی‌رغم به رسمیت شناختن حق رسانه‌ها، در حضور

۲۰. تبصره ۱ ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک. (اصلاحی ۱۳۸۵/۳/۲۴): «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی عنه باشد منتشر نمایند. تخلف از حکم قسمت اخیر در حکم افترا است.»

در جلسات علنی دادگاه، آنها را از افشا و انتشار هویت متهمان قبل از قطعیت حکم منع نموده است. علی‌رغم اینکه حکم این تبصره مشمول مرحله دادگاه و افراد متهم است باید گفت که این ممنوعیت به طریق اولی شامل مرحله تحقیقات مقدماتی (افراد مظنون) نیز خواهد شد؛ با این تفاوت که به دلیل حساسیت قابل ملاحظه مرحله تحقیقات مقدماتی، و غیرعلنی و محرمانه بودن آن، حضور رسانه‌ها فاقد توجیه بوده و می‌تواند خطرناک باشد. به عبارت دیگر حقوق رسانه‌ها ممکن است در مواقعی که اقداماتشان با محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی و بازجویی‌های پلیس منافات داشته باشد یا در حصول نتیجه دادرسی مانع یا تأخیر ایجاد نماید محدود شود. در حقوق فرانسه حتی قانون‌گذار این کشور با اتخاذ سیاست سخت‌گیرانه‌تری به کارگیری هر وسیله ضبط یا پخش صوتی، دوربین‌های تلویزیونی یا سینمایی، وسایل عکاسی و فیلم‌برداری را در جلسات دادگاه ممنوع و تخلف از آن را موجب ابطال دادرسی و مجازات شخص متخلف دانسته است.<sup>۲۱</sup> در حقوق انگلستان نیز به حمایت از حقوق متهم در مقابل تبلیغات رسانه‌ها توجه شده است:

«متهم نباید توسط دادگاهی محاکمه شود که تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ها و افکار عمومی نسبت به مجرمیت متهم ذهنیت و پیش‌داوری داشته باشد».<sup>۲۲</sup>

در این راستا می‌توان به اعلامیه آزادی بیان و اطلاعات رسانه‌ها در زمینه مبارزه علیه تروریسم، مصوب ۲ مارس ۲۰۰۵ نمایندگان کمیته اجرائی شورای اروپا اشاره نمود که در آن به ارائه اطلاعات صحیح به رسانه‌ها ضمن رعایت فرض بی‌گناهی و حق حفظ حریم خصوصی افراد تأکید شده و حتی به طور خاص، احترام به حق بی‌گناهی اشخاصی که در ارتباط با جرائم تروریستی تحت تعقیب هستند مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۲۳</sup>

برخورد ژورنالیستی (تبلیغاتی) رسانه‌ها با موضوعات کیفری که به اندازه کافی دارای بار هیجانی و تبلیغاتی هستند و ایجاد جوی هیجان‌انگیز در سطحی وسیع و گاه نشر اطلاعاتی دور از واقعیت و نادرست و حتی پیش‌بینی این احتمال که دست‌هایی پنهان بتوانند از طریق رسانه‌ها در پی رسیدن به اهداف خود باشند و احیاناً افکار عمومی و ذهن مقامات قضائی را جهت هدایت آنها بر مجرمیت مظنون و یا متهم هدایت کنند، جملگی

۲۱. همان، قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه.

۲۲. اسپنسر، جی. آر. آئین دادرسی کیفری در انگلستان، ترجمه محمدرضا گودرری و لیلا مقدادی، تهران،

جنگل، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴.

23. Declaration on freedom and expression in the media in the context of the fight against terrorism. . adopted by the committee of ministers of the Council of Europe on 2 marea 2005, available at: <http://www.regjering.no/upload/kkdl:medir/declarationterrorhsm.pdf>

از آثار منفی‌ای هستند که با ورود رسانه‌ها در تحقیقات مقدماتی و رسیدگی‌های کیفری، از طریق انتشار هویت و به ویژه تصویر مظنونان و متهمان، می‌تواند به فرض بی‌گناهی لطمه وارد آورد.

این تشکیک که فرض بی‌گناهی صرفاً در مرحله رسیدگی در دادگاه جاری است و نه در مرحله تحقیقات مقدماتی، تردیدی نابخا و متعارض با فلسفه این فرض است؛ مراجع قضائی و پلیسی باید از انتشار اطلاعات به دست آمده به طور عمومی در رسانه‌ها اجتناب کنند چرا که با این اقدام خطر پیش‌داوری به وجود خواهد آمد که با یک دادرسی عادلانه منافات دارد؛ این تکلیف را باید شامل کلیه مقامات قضائی اعم از دادستان، بازپرس و نیز مقامات پلیسی دانست.

«رعایت فرض بی‌گناهی متهم همچنین بدین معناست که مقامات وظیفه دارند که از رسانه‌های خبری یا سایر گروه‌های ذی‌نفوذ اجتماعی که با اعلام نتایج یک پرونده در مطبوعات بر نتایج آن تأثیر می‌گذارند ممانعت کنند».<sup>۲۴</sup> دیوان اروپایی حقوق بشر در دعوای آلنه دریمون علیه فرانسه، اظهارات وزیر دولت آن کشور که در یک کنفرانس مطبوعاتی به شاکی به عنوان متهم ارتکاب قتل عمد اشاره کرده بود را ناقض فرض برائت وی (بند ۲ ماده ۶) تلقی کرد و این استدلال دولت که رعایت فرض برائت منحصر در مقامات قضائی می‌شود را مردود و احترام به آن را شامل همه مقامات عمومی اعم از قضائی و غیر قضائی دانست. دیوان در ادامه بر این مسأله تأکید کرد که اگرچه مقامات مجازند بر اساس حاکمیت اصل آزادی بیان (مندرج در ماده ۱۰) عموم را از روند پیشرفت تحقیقات مطلع سازند، لکن این اطلاع‌رسانی مشروط به این است که این امر توأم با احتیاط و حساسیتی صورت پذیرد که لازمه رعایت فرض بی‌گناهی افراد است. از نظر دیوان انتساب عمل مجرمانه به فرد بدون رعایت چنین ملاحظه‌ای از دو جهت نافی حق بی‌گناهی وی است: اولاً موجب می‌شود که عموم مردم، فرد مزبور را مجرم قلمداد کنند؛ ثانیاً موجب بروز پیش‌داوری در قضات (تحقیق و محاکمه) هنگام ارزیابی واقعیت‌ها و دلایل موجود در پرونده می‌شود.<sup>۲۵</sup>

بنابراین وقتی مقامات عالی‌رتبه دولتی و رسانه‌ها علی‌رغم حاکمیت حق مسلم و بنیادین آزادی بیان به شرح فوق مجاز به انتشار اطلاعات و به ویژه هویت و تصویر مظنونان و متهمان به دلیل منافات با فرض بی‌گناهی و نیز حریم خصوصی - که در ادامه

۲۴. دیوید وسبروت، فردریکون و بایرون، دادرسی عادلانه، ترجمه فریده طه و لیلیا اشرفی، تهران، میزان،

چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰.

25. *Alenet de Ribemont v France*, ECHR, judgment of 10 february 1995, available at <http://sim.law.unnl/sim/case law/nof.nsf>

مورد بررسی قرار خواهد گرفت - نیستند، بالطبع مقامات قضائی را نیز نباید به صرف اینکه اقدامات آنان در راستای حفظ حقوق جامعه است، مجاز به افشا یا صدور دستور افشا و انتشار هویت افراد درگیر در دادرسی‌های کیفری دانست.

حال اینکه آیا این قاعده، قطعی و مطلق است یا می‌تواند در مواردی از جمله جرائم مهم امنیتی که منافع عمومی در خطر قرار می‌گیرد محدود و تعدیل شود، بحثی است که در ادامه بدان می‌پردازیم.

## ۲- ب) رعایت حق حریم خصوصی

حریم خصوصی یکی از ابعاد کرامت انسانی است و ضرورت احترام به آن امری غیرقابل تردید است. حریم خصوصی به لحاظ مفهوم، ماهیتی نسبی دارد و محدوده آن می‌تواند به نسبت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هر ملت و نیز با توجه به نقش و مسؤلیت هر شخص متفاوت باشد. علی‌رغم تصریح و حمایت از این حق در قوانین داخلی کشورها و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، در نظام حقوقی ایران حمایت کافی در این ارتباط به چشم نمی‌خورد. با این وجود، این بدین معنا نیست که این حق به طور کلی از نظر قانون‌گذار ایران به دور مانده است. اصل بیست و دوم ق.ا.ج.ا.<sup>۱</sup> مقرر می‌دارد:

«حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

همچنین می‌توان به اصل بیست و پنجم همان قانون، ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، ماده ۱ قانون مسؤلیت مدنی، ماده ۲۴ ق.آ.د.ک. و از قوانین جدیدتر، به بند ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲ اشاره نمود.<sup>۲۶</sup> در این راستا لازم است که به قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات اشاره نمود که اخیراً از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و در آن برای اولین بار به حریم خصوصی به طور صریح توجه شده است که از این حیث شایان توجه است؛ ماده ۱۴ این قانون به عنوان استثنائی بر حق دسترسی به اطلاعات مقرر می‌دارد:

۲۶. بند ۸ ماده واحده: «بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و انشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد».

«چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود».<sup>۲۷</sup>

قرار دادن حریم خصوصی و رسانه‌ها در مقابل هم با تأکید بر اختلافات آنان امر آسانی است. برای نمونه بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۲، نزدیک به ۳۰۰۰ شکایت افراد علیه مطبوعات در بریتانیا به جهت عدم رعایت حریم خصوصی به کمیسیون شکایات از مطبوعات آن کشور (PCC) مطرح شده است.<sup>۲۸</sup>

در فرایند دادرسی‌های کیفری رعایت این حق شامل همه افراد درگیر، اعم از مظنون، متهم، بزه‌دیده و گواه می‌شود و قطعاً به دلیل نوع اطلاعات (یعنی ارتکاب جرم) رعایت آن حساسیت و ظرافت بسیار بیشتری را نیازمند است. صرف اشاره به نام متهم یا مجرم ممکن است مجازاتی را ایجاد کند که به مراتب شدیدتر از مجازاتی باشد که قانون برای آن جرم تعیین کرده است. افشاء هویت و یا تصویر افراد درگیر در دادرسی‌های کیفری، گاه لطمات جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت که بازگشت مجدد آن افراد به جامعه را با دشواری جدی روبرو خواهد کرد. بنابراین دومین محدودیت رسانه‌ها در فرایند دادرسی کیفری را باید، تزاحم حق رسانه‌ها در آزادی بیان، با حق افراد به حفظ حریم خصوصی‌شان دانست. مناسب است در این قسمت، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر را به عنوان نهاد قضائی منحصر به فرد در زمینه اعمال ضمانت اجراهای فراملی در سطح اتحادیه اروپا، در ارتباط با تزاحم حق رسانه‌ها به انتشار اطلاعات و حق افراد مظنون و متهم به حفظ حق حریم خصوصی مورد بررسی قرار دهیم.

دیوان در رأی ۹ آوریل ۲۰۰۹ خود، در دعوی شخص «الف» علیه نروژ حکم به نفع شخص مزبور به دلیل نقض حریم خصوصی‌اش (ماده ۸ کنوانسیون) داد، چرا که دو روزنامه محلی با انتشار عکس وی - تحت این عنوان که فردی سابقه‌دار بوده است - وی را مظنون اصلی قتل دو دختر جوان معرفی کردند و همین امر موجب تعقیب و دستگیری وی توسط پلیس گردید. در حالی که پس از بازجویی‌های اولیه و با دستگیری قاتلان واقعی، بی‌گناه دانسته شد. دیوان این استدلال دادگاه محلی را که چاپ مقاله حق روزنامه و در جهت منافع عموم بوده است قابل قبول ندانست، و بیان داشت که صرف اینکه انتشار

۲۷. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ

۱۳۸۸/۵/۳۱ به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.

28. Privacy and media intrusion, fifth report of session 2002-03, House of Commons, Culture, Media and Sport committee

اطلاعات و دریافت آن حق مطبوعات و جامعه است اما این حق نمی‌تواند توجیه‌کننده انتشار اخبار وهن‌آور و پیامدهای منفی آن علیه شخص «الف» باشد، چرا که وی با گزارش روزنامه و انتشار تصویرش که دلالت بر وجود امارات قوی در انتساب جرم به وی داشت توسط پلیس تعقیب و بازداشت گردید.<sup>۲۹</sup>

در دعوی خانم کارملا سیاکا<sup>۳۰</sup> علیه دولت ایتالیا نیز دیوان در سال ۲۰۰۵ تصمیم مشابهی را اتخاذ نمود. در این پرونده شاکی به عنوان یکی از معلمان یک مدرسه خصوصی در پی بازرسی در خصوص مدیریت غیرمعمول فعالیت‌های آن مدرسه، به دلیل تبانی، فرار از مالیات و جعل، مورد تعقیب قرار گرفت. او بازداشت شد و تحت دستور اقامت اجباری به سر برد. بازرس مالیاتی، پرونده‌ای که مشتمل بر عکس و اثر انگشت وی بود تشکیل داد. متعاقب یک کنفرانس مطبوعاتی در ۴ دسامبر ۱۹۹۸ که توسط دادستانی و بازرس مالیاتی ترتیب داده شده بود، دو روزنامه محلی<sup>۳۱</sup> مقاله‌ای را منتشر کردند که در آن به واقعیت‌های مطرح شده در مرحله تعقیب کیفری اشاره و عکس چهار زن بازداشت شده از جمله شاکی چاپ گردید. عکس طی چهار نوبت منتشر شد و همان عکسی بود که توسط بازرس مالیاتی گرفته شده و توسط وی به مطبوعات داده شده بود. در نهایت وی به جهت اتهامات انتسابی محکوم گردید. با این وجود، او شکایتی مبنی بر نقض حریم زندگی خصوصی‌اش به دلیل انتشار عکسش در کنفرانس مطبوعاتی به دیوان ارائه کرد. دادگاه ملاحظه کرد که عکس به جهت تشکیل پرونده اداری گرفته شده اما توسط بازرس مالیاتی به مطبوعات ارائه شده بود؛ در حالیکه قانونی که بر گرفتن عکس از افراد در معرض اتهام یا تحت بازداشت و ارائه آن به مطبوعات حاکم باشد وجود نداشت و اقدام بازرس مالیاتی در دادن عکس متهم و انتشار آن توسط روزنامه فاقد مجوز قانونی صریح بود. در نهایت دیوان حکم به نفع خانم سیاکا صادر کرد.<sup>۳۲</sup>

در نظام داخلی کشورهای اروپایی نیز علی‌رغم حاکمیت اصل آزادی بیان و دریافت اطلاعات، رسانه‌ها و مطبوعات ملزم به رعایت اصول اخلاقی در حرفه خود هستند. برای مثال در بریتانیا می‌توان به وجود دو معیار کلیدی نظارتی بر مطبوعات تحت عنوان: مجموعه دستورالعمل‌های پی.سی.سی. مصوب ۲۰۰۳<sup>۳۳</sup> و مجموعه دستورالعمل‌های صنف

29. A. v Norway, ECHR, judgment of 9 April 2009, available at <http://sim.law.unnl/sim/case/law/nof.nsf>

30. Carmela Sciacca

31. Le Giornale di Sicilia & La Sicilia

32. Sciacca v. Italy, ECHR, judgment of 11 January 2005, available at <http://sim.law.unnl/sim/case/law/nof.nsf>

33. The pcc code of practice-2003, available at <http://www.pcc.org.uk>

مطبوعات مصوب ۲۰۰۷<sup>۳۴</sup> کمیسیون شکایت از مطبوعات<sup>۳۵</sup> اشاره کرد. این دستورالعمل‌ها، استانداردهایی را مشخص نموده است که همه روزنامه‌ها، مجلات و نشریات ادواری در بریتانیا باید از آن تبعیت کنند.<sup>۳۶</sup> به نحوی که در صورت شکایت اشخاص از روزنامه یا مجله‌ای و احراز تخلف، پی.سی.سی. آن روزنامه یا مجله را به پرداخت غرامت محکوم خواهد کرد.<sup>۳۷</sup> در مقررات پی.سی.سی. ضمن تأکید بر تعهد مطبوعات بر ممنوعیت انتشار اخبار و اطلاعات نادرست و همراه کننده و یا تحریف شده که شامل عکس نیز می‌شود، در ماده ۳ خود به لزوم رعایت حق حریم خصوصی اشخاص تأکید می‌شود. ماده ۱۷ دستورالعمل ۲۰۰۷ به طور صریح بر ارتباط مطبوعات و مجرمان می‌پردازد: «توجه یا ترغیب (پیشنهاد) به توجه به ماجراها، تصاویر یا اطلاعاتی که برای یک جرم خاص مورد بهره‌برداری (سوء استفاده) قرار می‌گیرد، یا بزرگ کردن و جذاب نشان دادن یک جرم به طور عمومی، نباید موجب اعتراف یا محکومیت مجرمان یا خانواده و دوستان وی شود. برای این کار ضروری است که دلیل معقول و کافی وجود داشته باشد که متقاعد بکند منافع عمومی در خطر است و گرنه موضوع نباید منتشر شود». در ماده ۱۱ همین دستورالعمل در ارتباط با بزه‌دیدگان تجاوزات جنسی آمده است که مطبوعات نباید هویت قربانیان تجاوزات جنسی را افشا و منتشر نماید مگر اینکه توجیه مناسبی وجود داشته باشد و به طور قانونی چنین اجازه‌ای داشته باشند. اما در ماده ۷ سخت‌گیری بیشتری را نسبت به کودکان زیر ۱۶ سالی که قربانی یا گواه پرونده‌های جرائم جنسی بودند را اعمال نموده است. در این ماده مطبوعات از افشاء هویت قربانیان نوجوان زیر ۱۶ سال جرائم جنسی حتی در صورت عدم ممنوعیت قانونی منع شده‌اند که بسیار قابل توجه است.<sup>۳۸</sup>

در استرالیا، رسانه‌ها به دلیل اصل آزادی بیان، از قانون حریم خصوصی فدرال معاف هستند. اما این معافیت بدین معناست که تشکیلات رسانه‌ها باید یک قانون و منشور اخلاقی را برای خود ایجاد و اعمال نمایند.

دستورالعمل‌های اخلاقی به طور کلی در پی این هستند که تعادل و توازن لازم بین حریم خصوصی و آزادی بیان را برقرار کنند. معیارهای موجود در اصول حریم خصوصی،

34. The press industry code of practice - 2007, available at <http://www.pec.org.uk>

35. Press Complaints Commission (PCC)

۳۶. جدیدترین این دستورالعمل‌ها در سپتامبر ۲۰۰۹ تحت عنوان دستورالعمل سردبیران روزنامه‌ها و نشریات

ادواری به تأیید پی.سی.سی. رسیده است که محتوایی مشابه با دستورالعمل‌های پیشین دارد.

۳۷. شایان ذکر است علی‌رغم وجود چنین ویژگی و اختیاری، PCC یک نهاد قضائی وابسته به سیستم قضائی

بریتانیا محسوب نمی‌شود، بلکه یک مرجع غیرقضائی و غیررسمی است.

38. The Press industry's Code of practice 2007

چگونگی متعادل ساختن حریم خصوصی را با منافع عمومی در انتشار اطلاعات، ترسیم و تبیین می‌کند.<sup>۳۹</sup> در آلمان شورای مطبوعات این کشور طی رهنمود خود به روزنامه‌نگاران با عبارات جامع‌تری بیان می‌دارد:

«به عنوان قاعده‌ای کلی، در گزارش‌های راجع به تصادفات، تخلفات کیفری، تحقیقات کیفری یا رسیدگی‌های محاکم هیچ توجیهی برای انتشار نام و تصاویر مرتکبان یا قربانیان آنها وجود ندارد. در تمام موارد مذکور باید دقت لازم صورت بگیرد تا حق مردم در دانستن در مقایسه با حقوق شخصی افراد، ارزیابی شود...»<sup>۴۰</sup>

در نظام حقوقی ایران، متأسفانه این بُعد از حقوق انسانی چندان مورد توجه رسانه‌ها نبوده و از طرفی مظنونان و متهمان حمایت‌های قانونی لازم را نیز بر خود نمی‌بینند.<sup>۴۱</sup> مطبوعات به ویژه روزنامه‌ها در موارد متعددی با افشاء هویت مظنونان و یا متهمان و چاپ و انتشار تصاویر آنها با قید «دستور مقام قضائی» و یا در برخی موارد حتی بدون وجود چنین دستوری، به کرات به حقوق افراد چه از حیث حق بی‌گناهی و چه به لحاظ حق رعایت حریم خصوصی لطمه وارد می‌کنند. لازم به ذکر است موجه و قانونی بودن دستور مقامات قضائی داسرا در چاپ و انتشار تصاویر مظنونان و متهمان با تردید و ایرادات قابل ملاحظه‌ای مواجه است که در ادامه بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

## بند دوم - منافع عمومی

### الف) منافع عمومی و دادرسی‌های کیفری

همان‌گونه که در ارتباط با حق آزادی بیان مطرح گردید، در ارتباط با حق بی‌گناهی و حق رعایت حریم خصوصی نیز این سؤال قابل بررسی است که آیا این دو حق، حقی مطلق و غیرقابل استثنا هستند یا می‌توان در مواردی مانند حفظ منافع عمومی بر اجرای آنها، به ویژه در مرحله ظن و اتهام، محدودیت‌هایی را اعمال نمود؟ به بیان دیگر اینکه آیا رسانه‌ها و مقامات قضائی مجازند در راستای حفظ منافع عمومی، هویت و تصویر مظنونان و متهمان را منتشر نمایند؟

39. David Taylor, *Privacy and New Media- Some Reflections*, Australian Catholic University, Melbourne, 2004, p 4.

۴۰. باقر انصاری، حقوق حریم خصوصی، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۳۶.

۴۱. لازم به یادآوری است علی‌رغم تهیه و تدوین لایحه حریم خصوصی و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی،

متأسفانه این لایحه توسط دولت مسترد شده است.



با ملاحظه اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز قوانین داخلی کشورها، به نظر می‌رسد به همان نحو که با توازن بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حقوق اشخاص در فرایند دادرسی‌های کیفری، قائل به تحدید حق آزادی بیان شدیم، چنانچه وضعیتی حادث شود که حفظ منافع و مصالح عمومی اقتضاء اعمال محدودیت بر حق بی‌گناهی و حق حفظ حریم خصوصی را بنماید، بتوان به طور کاملاً محدود و استثنائی اعمال این محدودیت‌ها را قابل قبول دانست.<sup>۴۲</sup> مع الوصف به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت فرض بی‌گناهی، دامنه مداخله در آن نسبت به حق حریم خصوصی بسیار محدودتر باشد؛ چرا که اساساً فرض بی‌گناهی به طور اخص برای افراد مظنون و متهم بنیان نهاده شده است و عمده تجلی‌گاه آن، در دادرسی‌های کیفری است. به نحوی که فرد (اعم از مظنون یا متهم) حق دارد تا زمان اثبات گناهکاری‌اش بی‌گناه فرض شود. بنابراین حتی در صورتی که ضرورت رعایت مصلحت عمومی اقتضاء انتشار و افشاء هویت و یا تصویر مظنونان و متهمان را به نحو استثنائی داشته باشد، اعمال محدودیت بر حق بی‌گناهی به طور مطلق؛ ناموجه، غیرضروری و متعارض با فلسفه وضع آن است. نهایت آنکه در مواردی بتوان محدودیت‌هایی جزئی در برخی از آثار آن از جمله انتقال بار اثبات دلیل از دادستان به مظنون - که مهم‌ترین اثر فرض بی‌گناهی نیز می‌باشد - را مورد پذیرش قرار داد؛ همچنان که در برخی کشورها چنین رویه‌ای در خصوص جرائم سازمان یافته و امنیتی جاری است.<sup>۴۳</sup>

با این حال برخی از نویسندگان معتقدند که با توجه به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به ویژه بند ۲ ماده ۸، تنها در صورتی دخالت در فرض بی‌گناهی مجاز خواهد بود که ضرورت آن، آن هم در یک جامعه دموکراتیک احساس شود، و این معیاری شایع برای دخالت در حقوق بشر است که علی‌رغم عدم قید آن در بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون، از مواد ۴، ۱۰ و ۱۱ قابل استنباط است، مع الوصف ضروری است که محدوده منافع عمومی و ضرورت آن مشخص و معین شود، در غیر این صورت، خطر بزرگی متوجه نظام عدالت کیفری خواهد بود.<sup>۴۴</sup>

۴۲. برای نمونه بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص قابل تعدیل بودن حق حریم خصوصی افراد طی شرایطی می‌گوید: «در اعمال این حق مراجع عمومی هیچ مداخله‌ای نخواهند کرد مگر طبق قانون و در جامعه دموکراتیک آنچه برای منافع امنیت ملی، سلامت عمومی، رفاه اقتصادی کشور، حفظ نظم و پیشگیری از جرائم، حمایت از بهداشت یا اخلاقیات، یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران لازم باشد.»

۴۳. جهت مطالعه بیشتر، نک: محمد ابراهیم شمس ناتری، «اصل برائت و موارد صدور آن در حقوق کیفری»، علوم جنائی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر آشوری، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص ۲۹۹-۲۹۰.

به همین ترتیب حریم خصوصی نیز نمی‌تواند حق مطلقی محسوب شود و در مواردی محدود می‌توان دخالت در آن را مجاز تلقی نمود. مواردی که جرم فساد مالی یا تزویر در زیر لوای حریم خصوصی پنهان شده باشد، لازم است حقیقت جهت حفظ منافع عمومی روشن شود؛ لیکن در این مورد نیز، هم مقامات و هم رسانه‌ها، باید در حیطه وظایفشان در حریم خصوصی مداخله نمایند.<sup>۴۵</sup> برخی برای کاهش مشکلات ناشی از مداخله رسانه‌ها در حریم خصوصی، قائل به تفکیک محدوده حریم هر فرد به نسبت شهرت وی در جامعه هستند. برای مثال مقامات سیاسی به اقتضای نقشی که در جامعه پذیرفته‌اند دارای حریم کمتری نسبت به افراد عادی خواهند بود.<sup>۴۶</sup>

نتیجه آنکه تنها معیاری که مداخله در حقوق بشر، از جمله بی‌گناهی و حفظ حریم خصوصی را در مواردی موجه می‌داند، منافع عمومی است. در این راستا می‌توان از ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و میاسی (مصوب ۱۹۶۶) و مواد ۸، ۹ و ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نام برد. کمیته اجرایی کمیسیون وزرای شورای اروپا در اعلامیه شرایط اطلاعات در ارتباط با رسانه‌ها در فرایند دادرسی‌های کیفری مصوب ۱۰ ژوئن ۲۰۰۳ در نشست ۸۴۸ خود، رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران را به رعایت و احترام به کرامت انسانی، حریم خصوصی بزه‌دیدگان، شکات مظنونان، متهمان، محکومان، شهود و نیز خانواده‌هایشان وفق ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دعوت می‌کند و تنها استثناء آن را نگرانی‌های (سنافع) عمومی قرار می‌دهد.<sup>۴۷</sup>

اصل بیست و چهارم ق.ا.ج.ا.ا. درخصوص حق آزادی بیان، قید منخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی را به عنوان محدودیت حق مزبور اعلام داشته است. حال اگر معیار «منافع عمومی» را به عنوان یک دفاع توجیهی برای مداخله در حقوق اشخاص از جمله مظنونان و متهمان بپذیریم، این نگرانی وجود خواهد داشت که با توجه به گسترده بودن واژه منافع عمومی، تضییع نامحدود و ناموجه و فراتر از ضرورت حقوق افراد به ویژه در دادرسی‌های کیفری بسیار محتمل و قابل پیش‌بینی خواهد بود.

شاید ذکر وصف «دموکراتیک» در کنار عبارت «منافع عمومی» در مواد ۸ و ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بی‌دلیل نبوده و چنین نگرانی‌ای را ملحوظ داشته است. با این حال نمی‌توان بر این عقیده بود که سایر جوامع به دلیل غیر دموکراتیک بودن فاقد

45. Privacy and Media Intrusion, fifth report of session 2002-03, House of Commons, Culture, Media and Sport committee, p. 9.

46. Paul Chadwick, "Privacy and Media, Subtle Compatibility – Five Categories of Fame", International Conference on Privacy and Personal Data Protection, Wrocław, Poland, 2004.

47. Declaration on the provision of information through the media in relation to criminal proceeding, adopted by the committee of ministers on 10 July 2003, available at <http://www.medialaw.ru.law/other-laws/european/html>

چنین حقی برای حفظ منافع عمومی خود در موارد ضروری باشند. دستورالعمل کمیسیون رسیدگی به شکایت از مطبوعات بریتانیا مصوب مارس ۲۰۰۳، منافع عمومی را شامل موارد زیر می‌داند، بدون اینکه آنها را صرفاً به همین موارد محدود کند:

۱- کشف یا نشان دادن جرائم یا تخلفات شدید؛

۲- حمایت از سلامت و امنیت عمومی؛ و

۳- ممانعت از فریب خوردن عموم به واسطه گفتار یا افعال اشخاص یا سازمان‌ها.

پی.سی.سی. در ادامه تأکید می‌کند که در خود آزادی بیان، منافع عمومی نهفته است.<sup>۴۸</sup>

در استرالیا طبق اصول اطلاعات خصوصی که در قانون اطلاعات خصوصی ویکتوریا<sup>۴۹</sup> آمده است، نهادهای دولت حاکم می‌توانند در مواردی که یک نفع عمومی قوی در بین باشد، اطلاعات شخصی را بدون رضایت صاحبان آن افشا کنند. منافع عمومی که در این قانون منعکس شده است عبارتند از:

۱- پیشگیری، کشف، تحقیق، تعقیب یا مجازات جرائم؛

۲- مصادره قانونی عواید ناشی از جرم؛

۳- حمایت از درآمدها و منابع عمومی؛

۴- پیشگیری، کشف و تحقیقات تخلفات شدید؛ و

۵- آماده‌سازی یا هدایت دادرسی‌های دادگاه یا هیأت‌های حل اختلاف یا اجرا کردن دستورات دادگاه.<sup>۵۰</sup>

بنابراین ملاحظه می‌شود که ارتکاب جرم به عنوان اقدامی علیه منافع عمومی محسوب شده و به دلیل دارا بودن چنین ویژگی‌ای افشاء آن به عنوان استثنائی بر حریم خصوصی مجاز دانسته شده است. مع‌الوصف آنچه که در این ارتباط نباید از نظر دور داشت، این مطلب است که اعلام جرائم و تخلفات، مستلزم افشای هویت و به ویژه عکس‌مظنونان نبوده و خارج از حد ضرورت است. بنابراین مقامات قضائی یا رسانه‌ها رأساً نمی‌توانند به بهانه وقوع یک جرم و لحاظ منفعت و مصلحت عمومی، اقدام به افشاسازی هویت مظنونانی که بزهکاری آنها طی یک دادرسی عادلانه به اثبات نرسیده است بنمایند. ضمن اینکه در تعیین منفعت عمومی توجه به سطح خطر ناشی از جرم و مظنونان آن، می‌تواند ملاک مناسبی در میزان ضرورت مداخله در حقوق اساسی افراد باشد. پس از حادثه ۱۱

48. The PCC code of practice-2003, available at <http://www.pcc.org.uk>

49. (Information) Privacy Act 2000 (IPP)

50. David Taylor, *Privacy and New Media- Some Reflections*, Australian Catholic University, Melbourne, 2004, pp. 12-13.

سپتامبر ۲۰۰۱، بسیاری از کشورهای غربی از جمله بریتانیا اقدام به تصویب قوانینی نموده‌اند که محدودیت‌های قابل ملاحظه‌ای را بر حقوق افراد مظنون به اقدامات تروریستی وارد نموده است.<sup>۵۱</sup> مع الوصف صرف‌نظر از قابل ایراد بودن چنین قوانینی، باید در نظر داشت که این محدودیت‌ها صرفاً در خصوص جرائم امنیتی و تروریستی که امنیت ملی و منافع عمومی این کشورها را به نحوی جدی مورد تهدید قرار می‌دهند، اعمال گردیده است و نه مطلقاً جرائم.

متأسفانه در کشورمان این امر رایج و فراگیر شده است که روزنامه‌ها با قید این عبارت که «چاپ و انتشار این تصویر به دستور مقام قضائی صورت گرفته است»، اقدام به چاپ و انتشار مشخصات و تصویر افراد مظنون و متهم به ارتکاب جرائم، جهت شناسایی و یا مراجعه بزه‌دیدگان احتمالی جهت طرح شکایت از آنها می‌کنند. جالب توجه اینکه در موارد متعددی مشاهده می‌شود که بازپرس پرونده حتی برای جرائمی مانند سرقت و کلاهبرداری چنین دستوری را صادر نموده است.<sup>۵۲</sup> و حتی در بعضی موارد مطبوعات خود را بی‌نیاز از اخذ مجوز قضائی دانسته و رأساً اقدام به انتشار تصویر متهم (به طور واضح یا با وضوح کمتری که البته در حدی نیست که مانع افشای هویت فرد مورد نظر شود) می‌کنند.<sup>۵۳</sup>

اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه شماره ۷/۶۵۴-۸۸/۲/۶، این اقدام دادسرا و مطبوعات را با توجه به ماده ۳ اصلاحی ق.ت.د.ع.ا. مصوب ۱۳۸۱ که وفق آن دادسرا عهده‌دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم و حفظ حقوق عمومی است، در جرائم خاص و با توجه به نوع اعمال ارتكابی متهمان جهت شناسایی یا دستگیری آنان در مواردی که اعمال ارتكابی آنها باعث خوف، هراس و اختلال در نظم جامعه شود برای حفظ و صیانت جامعه فاقد اشکال دانسته و آن را مغایر با تبصره ۱ ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک. (اصلاحی ۱۳۸۵)، ندانسته است.<sup>۵۴</sup>

51. A.T.H. Smith, *Balancing Liberty and Security? A Legal Analysis of United Kingdom Anti-Terrorist Legislation*, Springer science, 2007.

۵۲. برای نمونه، یک: روزنامه همشهری ۱۳۸۸/۱/۳۱.

۵۳. برای نمونه، یک: روزنامه وطن امروز ۱۳۸۸/۲/۱۲.

۵۴. نظریه شماره ۷/۶۵۴-۱۳۸۸/۲/۶: «با توجه به مقررات ماده اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ که به صراحت اعلام می‌دارد در هر حوزه قضائی هر شهرستان یک دادسرا در معیت دادگاه‌های آن حوزه تشکیل می‌گردد و به شرح بندهای الف- ... دلیل ماده مرقوم دادسرا عهده‌دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم و حفظ حقوق عمومی و... می‌باشد، بنابراین به نظر می‌رسد که در جرائم خاص و با توجه به نوع اعمال ارتكابی بعضی از متهم یا متهمان که گسترده و دستگیری آنها هم برای مأموران انتظامی آسان بوده

لازم به یادآوری است که مفاد نظریه شامل مرحله قبل از دستگیری مظنون می‌شود، لذا شمول آن به حالتی که مظنون دستگیر شده است خارج از منظور نظریه است. اما نظریه اداره حقوقی از جهات متعدد قابل انتقاد به نظر می‌رسد. تردیدی نیست که کشف جرم و تعقیب متهم و حفظ حقوق عمومی از تکالیف دادسرا است، لیکن این امر نمی‌تواند به گونه‌ای اعمال شود که حقوق مسلم افراد که جزئی از اجتماع محسوب می‌شوند را مورد تعدی قرار داده به کرامت آنها آسیبی وارد نماید که در اغلب موارد قابلیت جبران ندارد.

انتشار تصویر فردی که هنوز در مرحله ظن و یا اتهام قرار داشته و مجرمیت وی طی یک دادرسی قانونی و ارائه دلایل یقینی ثابت نگردیده است، بر خلاف اقتضای فرض برائت - که از حقوق مسلم و بنیادین افراد تلقی می‌شود و در اصل سی‌وهفتم ق.ا.ج.ا.ا. به صراحت بر آن تأکید شده - می‌باشد. با انتشار تصویر و هویت فرد در مطبوعات و درج اتهامات وی، تا حد بسیار قابل توجهی افکار عمومی وی را مقصر و مجرم خواهد شناخت، در چنین وضعیتی بعید به نظر می‌رسد که بازپرس بتواند با ذهنیتی عاری از تمایل درونی به صدور قرار مجرمیت، تصمیمی منصفانه و با رعایت فرض بی‌گناهی اتخاذ کند.

علاوه بر این حتی اگر مجرمیت فرد مظنون با ادله قانونی ثابت شود، رعایت حیثیت و حریم خصوصی وی ایجاب می‌کند که با حساسیت و احتیاط قابل توجهی با وی رفتار گردد. انتشار مشخصات و تصویر متهمان یا مجرمان احتمالی، در عمل مسیر برگشت‌پذیری آنها به بستر جامعه را ناهموار و گاه ناممکن خواهد کرد؛ نتیجه‌ای که بر خلاف سیاست جنائی کشورها، اهداف عدالت کیفری و نیز موازین و قواعد حقوق بشری و حتی منافع و مصالح عموم است. متهم یا مجرم در نهایت به جامعه باز خواهد گشت و زندگی خواهد نمود، بنابراین شایسته است با اعمال فراتر از حد ضرورت، وی را در وضعیتی خطرناک‌تر و مخاطره‌آمیزتر از پیش قرار نداده بدین طریق مجازات مضاعفی را بر وی تحمیل نماییم.<sup>۵۵</sup>

و با شناسایی کامل و نشانی صحیح از آنها در دست نیست، از طرفی شکات متعدد در پرونده دیده می‌شوند و دلایل برهکاری نیز به قاضی رسیدگی‌کننده مشهود و کافی است و از طرفی اعمال ارتكابی آنها باعث خوف و هراس و اخلال در نظم جامعه را پدید آورده و در ضمن عناصر خطرناکی شناخته شده‌اند به ناجار دادرسی رسیدگی‌کننده برای شناسایی افراد مذکور دستور چاپ و انتشار عکس‌های آنان می‌نماید که این عمل در صورت کفایت دلیل و نوع جرائم ارتكابی برای حفظ و صیانت جامعه چنانچه بی‌عرضانه باشد فاقد اشکال قانونی بوده و با تبصره‌های ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری اصلاحیه ۱۳۸۵ نیز در تضاد نمی‌باشد...»

۵۵. برای تفصیل، نک: علی خالقی، «تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها»، مجله پژوهشهای

کمیته اجرائی شورای اروپا در پیش‌نویس توضیحی ۲۰۰۳ خود در خصوص اعلامیه شرایط اطلاعات در ارتباط با رسانه‌ها و دادرسی‌های کیفری به روشنی این مطلب را بیان نموده است. اصل هشتم این پیش‌نویس مقرر می‌دارد: «... صرف اشاره به نام متهم یا محکوم ممکن است مجازاتی شدیدتر از مجازاتی که توسط دادگاه تعیین می‌گردد را ایجاد نماید. علاوه بر آن ممکن است که به بازگشت او به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند لطمه بزند. همین مطلب در خصوص تصویر متهم یا محکوم نیز مطرح می‌شود».<sup>۵۶</sup>

انتقاد دیگر، عدم توجه نظریه به ویژگی غیرعلنی و محرمانه بودن مرحله تحقیقات مقدماتی در دادرسی‌های کیفری است. ویژگی‌ای که از مواد ۱۵۲ و ۲۲۵ ق.آ.د.ک. قابل استنباط بوده و بالاتر دید مصلحت‌هایی در اعمال آن نهفته است. نکته مثبت در نظریه، اشاره هرچند مبهم و اجمالی به نوع جرائمی است که صدور دستور انتشار تصویر مظنون و یا متهم در آنها جایز تلقی شده است. البته در مورد اینکه کدام دسته از جرائم مورد نظر بوده، اشاره‌ای صورت نگرفته است، اما دست‌کم این مطلب قابل استنتاج است که بازپرس مجاز نیست با استناد به ماده ۳ ق.ت.د.ع.ا. به طور مطلق در همه جرائم و بدون توجه به نوع جرم ارتکاب یافته و درجه خطرناکی آن برای جامعه، چنین دستوری اتخاذ کند.

در هر حال، علی‌رغم دشواری تعریف منافع و مصالح عمومی مناسب و بلکه لازم است موارد آن توسط قانون‌گذار معین و دامنه آن محدود شود، تا از این طریق حقوق مسلم افراد و حتی منافع جامعه دستخوش آسیب قرار نگیرد. به عبارت دیگر در دادرسی‌های کیفری هنگامی که حقوق جامعه در تقابل با حقوق فرد قرار می‌گیرد، جهت ایجاد توازن بین منافع عموم و حقوق فرد لازم است که اولاً؛ هر گونه مداخله‌ای در حقوق افراد مبنای صریح قانونی داشته باشد. ثانیاً؛ این مداخله به حد ضرورت و در جهت اهدافی مانند امنیت ملی، سلامت و آسایش عمومی جامعه صورت پذیرد.

در این راستا اشاره به رأی دیوان اروپایی حقوق بشر که در سال ۲۰۰۰ در دعوای سلطان‌خان علیه بریتانیا صادر شد، قابل توجه می‌باشد؛ در این پرونده شاکلی که به اتهام خرید و فروش مواد مخدر توسط دادگاه محلی محکوم شده بود به دیوان شکایت برد و دیوان نیز به نفع وی حکم داد. چرا که مبنای رأی دادگاه بر اساس دلیل به دست آمده از طریق دستگاه استراق سمعی بود که توسط پلیس به طرز مخفیانه در محل نصب شده بود. در حالی که این اقدام ناقض بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون حق حفظ حریم خصوصی محسوب

می‌شد. دیوان این استدلال را که مداخله پلیس در حریم خصوصی فرد در راستای کشف یک جرم مهم و مطابق با بند ۲ ماده ۸ صورت پذیرفته است را نپذیرفت. چرا که در آن زمان قانونی که چنین اقدامی را برای پلیس مجاز بداند در نظام حقوقی آن کشور وجود نداشت و به همین دلیل این عمل بر خلاف هر دو بند ماده ۸ تلقی گردید.<sup>۵۷</sup>

### ب) منافع عمومی و جرم

تحلیل جرم‌شناختی مسأله تعامل و تأثیرگذاری رسانه‌ها بر جرم و بالعکس، خارج از موضوع این نوشتار است. لیکن از آنجا که این تعامل در مواردی دارای رویکرد حقوقی نیز می‌باشد، لذا توجه به آن ضروری به نظر می‌رسد. آنچه که در خصوص نحوه تعامل حق آزادی بیان و حقوق رسانه‌ها با حقوق افراد درگیر در دادرسی‌های کیفری بیان شد را می‌توان از زاویه دیگری نیز مورد دقت قرار داد و آن اینکه همچنان که رسانه‌ها می‌توانند در پرتو حق مسلم آزادی بیان نقش بسیار مؤثری را در راستای حفظ منافع و مصالح عمومی ایفا کنند، به دلیل تعامل گسترده با افراد جامعه، این قابلیت را نیز دارند که با عدم مدیریت صحیح و خروج از رسالت خود که همانا اطلاع‌رسانی و بیان واقعیت‌ها در جهت صیانت از حقوق جامعه است، نقشی بر خلاف آن بروز دهند. این مسأله آنگاه برجسته‌تر خواهد شد که اخبار و مطالب مرتبط با جرم و حوادث جنائی از حساسیت برانگیزترین و در عین حال جذاب‌ترین موضوعات رسانه‌ها در عصر کنونی به شمار می‌رود. جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان بر نقش عمده رسانه‌ها بر جرم از طریق نوع اخبار گزینش شده توسط خبرنگاران و سردبیران و نوع تحلیل‌هایی که از جرم و مجرم ارائه و منتشر می‌کنند تأکید می‌کنند. «خبرنگاران، دبیران سرویس خبری روزنامه‌ها و مدیران مسؤؤل تنظیم خبر و گزارش، با انتخاب موضوع و چگونگی انتقال این اطلاعات به مردم، نقش مؤثری در تعیین محدوده جرم و انحراف بازی می‌کنند. آنها با انتخاب حوادث جنائی و نحوه انعکاس آن، در واقع محدوده رفتارهای مجاز را تعریف و معیارهایی را در این زمینه به جامعه ارائه می‌کنند».<sup>۵۸</sup>

انتشار بدون ملاحظه اخبار جنائی و اطلاع‌رسانی نامناسب و اغراق‌آمیز و تحلیل‌های غیرکارشناسانه از پدیده‌های جنائی که گاه توأم با عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای است، در طولانی مدت می‌تواند حداقل از سه جهت منافع جامعه را مورد تهدید قرار دهد:

57. *Knan v. United Kingdom*, ECHR, judgment of 12 may 2000, available at <http://sim.law.unnl/sim/case/law/nof.nsf>

۵۸. محمد فرجیها، «بازتاب رسانه‌ای جرم»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۲، پائیز ۱۳۸۵.

- ۱- ایجاد احساس ناامنی و وحشت در بین افراد جامعه و سلب اعتماد مردم از مقامات قضائی و پلیسی؛
- ۲- ترغیب و تشویق افراد مستعد به ارتکاب جرم به ویژه تشکیل باندهای مجرمانه؛ و
- ۳- «افزایش حمایت‌های سیاسی از روش‌های اقتدارگرایانه برای بحران افزایش بزه‌کاری و توسل به ایدئولوژی امنیت‌گرا».<sup>۵۹</sup>

### نتیجه

وقوع جرم، یک اقدام علیه منافع اجتماع است و در مقابل، حفاظت از منافع و نظم عمومی از مهم‌ترین رسالت‌های حقوق کیفری است. این مسأله هنگامی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که وقوع و شیوع جرائم تروریستی در سال‌های اخیر، به ویژه پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا و ایجاد فضایی توأم با وحشت فراگیر و پایدار، مسیر حقوق کیفری را به سمتی سوق داده که سیمایی امنیتی در آن ظهور پیدا کرده است؛ تصویب قوانین ضد تروریستی در اغلب کشورهای غربی - که از جمله آنها می‌توان به قانون ضد تروریسم، جرم و امنیت ۲۰۰۱ در انگلستان، قانون پاتریوت ۲۰۰۱<sup>۶۰</sup> در ایالات متحده و قانون ضد تروریسم ۲۰۰۵ در استرالیا اشاره کرد- که در موارد بسیاری معارض موازین حقوق بشری بوده است خود گواه این مدعاست. رسانه‌ها در پناه اصل بنیادین آزادی بیان و اطلاعات حق دارند که نسبت به جرم و عاملان آن واکنش و حساسیت نشان دهند، مقامات قضائی و پلیس نیز در راستای صیانت از مصالح عمومی تکلیف قانونی در تعقیب و تحقیق جرائم و مرتکبان آنها را دارند. از سوی دیگر افراد نیز حق دارند در فرایند دادرسی‌های کیفری بی‌گناه فرض شده حریم خصوصی آنها محترم تلقی گردد؛ حقوق مسلمی که در طول تاریخ به دشواری بنیان نهاده شده و اسناد متعدد اعم از بین‌المللی و منطقه‌ای بر آن تأکید کرده‌اند و در قوانین داخلی کشورها نیز انعکاس یافته است.

با بررسی این اسناد، قوانین و مقررات داخلی کشورها و نیز رویه دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان یک نهاد قضائی تخصصی در عرصه حقوق بشر، این نتیجه حاصل آمد که حق آزادی بیان در فرایند دادرسی‌های کیفری نمی‌تواند بدون ملاحظه دو حق دیگر یعنی حق به بی‌گناهی و حفظ حریم خصوصی فرد به طور مطلق اعمال و اجرا شود. از سوی دیگر این مطلب مورد بحث قرار گرفت که در تقابل حقوق افراد مظنون یا متهم با منافع جامعه نیز این امکان وجود دارد که در شرایط استثنائی، محدودیت‌هایی بر آنها وارد شود.



با این توضیح که در التزام بین این حقوق در دادرسی‌های کیفری، برقراری توازنی شرط است که اولاً؛ موارد آن توسط قانون تصریح گردد به نحوی که هرگونه مداخله‌ای در حقوق افراد درگیر، مبنا و مجوز صریح قانونی داشته باشد. ثانیاً؛ به دلیل وسع بودن معیار منافع عمومی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از آن، دامنه آن بسیار محدود تلقی و منحصر به اهدافی همچون امنیت ملی و سلامت و آسایش عمومی جامعه گردد.

نکته آخر اینکه، علی‌رغم مطلق نبودن حق حریم خصوصی و امکان اعمال محدودیت بر آن در شرایط ضروری، پذیرفتن این امکان در فرض بی‌گناهی (برانت) تأمل برانگیز و دشوار به نظر می‌رسد؛ کما اینکه چه در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و چه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، برخلاف حق حریم خصوصی، هیچ محدودیتی بر فرض بی‌گناهی اعمال نگردیده است. نهایت اینکه بتوان در شرایط کاملاً استثنائی اعمال محدودیت‌هایی در برخی آثار آن از جمله قرار دادن بار اثبات دعوا بر عهده مظنون یا متهم را جهت حفظ منافع عمومی توجیه پذیر دانست.

### فهرست منابع

- آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه، مصوب ۱۳۸۶/۷/۱۹.
- اسپنسر، جی. آر.، آئین دادرسی کیفری در انگلستان، ترجمه محمد رضا گودرزی و لیلا مقدادی، تهران، جنگل، ۱۳۸۴.
- انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- برلین، آیزیا، چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمد علی موحد، تهران، خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- خالقی، علی، «تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۸۸.
- خالقی، علی، آئین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- دستورالعمل حفاظت از اسناد، اطلاعات و ادله پرونده‌های قضائی، مصوب ۱۳۸۵/۸/۳.
- روزنامه وطن امروز، مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۲.
- روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۸۸/۱/۳۱.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، «اصل برانت و موارد مدون آن در حقوق کیفری»، علوم جنائی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر آشوری، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.

فرجیها، محمد، «بازتاب رسانه‌ای جرم»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۸۵.

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و حمایت از داده‌ها.

قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه عباس تدین، تهران، معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه، روزنامه رسمی، چاپ اول، ۱۳۸۸.

کاتوزیان، ناصر و همکاران، آزادی اندیشه و بیان، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.

میل، جان استوارت، رساله درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.

وسبروت، دیوید، فردریسکون و بایرون، دادرسی عادلانه، ترجمه فریده طه و لیلا اشرافی، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.

A.V. Norway, ECHR, judgment of 9 April 2009, available at: <http://sim.law.unnl/sim/caselaw/nof.nsf>

Allenet de Ribemont v. France, ECHR, judgment of 10 February 1995, available at <http://sim.law.unnl/sim/caselaw/nof.nsf>

Chadwick, Paul, "Privacy and Media, Subtle Compatibility-Five Categories of Fame", *International Conference on Privacy and Personal Data Protection*, Wroclaw, Poland, 2004.

Declaration on freedom and expression in the media in the context of the fight against terrorism. adopted by the committee of ministers of the Council of Europe on 2 march 2005, available at [http://www.regjeringen.no/upload/kkd/medit/declaration\\_terrorism.pdf](http://www.regjeringen.no/upload/kkd/medit/declaration_terrorism.pdf)

Declaration on the provision of information through the media in relation to criminal proceeding, adopted by the committee of ministers of the Council of Europe on 10 July 2003, available at <http://www.medialaw.ru.law/other-laws/european/html>

Explanatory memorandum to recommendation Rec, 2003, 13 of the committee of ministers to member states on the provision of information through the media in relation to criminal proceedings, available at: <http://www.ebu.ch/leg-ref-co-2003-13-criminal-procehngs-pdf>

Klan v. United Kingdom, ECHR, judgment of 12 May 2000, available at <http://sim.law.unnl/sim/caselaw/nof.nsf>

Liberty's response to culture, Media and Sport select committee inquiry into Privacy and Media intrusion, 2003.

Privacy and Media Intrusion, Fifth Report of Session 2002-03, House of Commons, Culture, Media and Sport Committee.

Seiaccia v. Italy, ECHR, judgment of 11 January 2005. available at <http://sim.law.unnl/sim/caselaw/nof.nsf>

Smith, A.T.H, *Balancing liberty and security? A legal analysis of united kingdom anti-terrorist legislation*, Springer science, 2007.

Sprack, John, *Criminal Procedure*, Oxford University Press, 2006.

Tadros, Victor, *Rethinking the Presumption of Innocence*, Springer, 2006

Taylor, David, *Privacy and New Media- Some Reflections*, Australian Catholic University, Melbourne, 2004.

The PCC Code of Practice- 2003, available at <http://www.pcc.org.uk>

The press industry code of practice- 2007, available at: <http://www.pcc.org.uk>